

ارتان اتحادیه کمونیستهای ایران

اعتلای مبارزه در راه دموکراسی

نظارات و اعتراضهای توده‌ای وسیعی که اخیراً بر علیه حکومت تئور و اختناق شاه و ارسابان آمریکائیش در تهران و سپس در برخی از شهرهای دیگر (شیراز، مشهد، قزوین و...) روی داد تنها خبر از یک چیز میدهد و آن فرارسیدن جامعه ایران به آستانه‌ی یک انقلابی است. شرایط فرارسیدن چنین انقلابی در نظام اجتماعی ایران از سه سال و اندی پیش با نظر به شرایط سیاسی و اجتماعی ایران است. اما چه در روزهای پیشین "کمونیست" و چه امروز در "حقیقت" آثار دنیال کرده توضیح داده‌ایم؛ اما واقعاً یعنی یا گرفتن و بلند شدن یک مبارزه توده‌ای برای دموکراسی از دل این شرایط تازه از چندین ماه پیش آغاز شده و اکنون وارد خیابان شده است. این تازه آغاز کار است. آغازی که پایانش هرچه باشد بطور گریزناپذیری از درون یک بحران انقلابی واقعی میگردد.

موج مبارزات توده‌ای اخیر از آبان هجری - مان یا در آستانه از گذشتن و روشن شدن، بوسه‌دهی دانشجویان تهران آغاز شد و یوز بعد، بصورت نظارات و رژه اعتراضی، بنی از ده هزار تن از دانشجویان و بخشی از مردم تهران جریان پیدا کرد. مبارزه گفلا جهت ضد استبداد و ضد آمریکائی درایت و سرنگونی حکومت فاشیستی شاه - تحصیل آزادی و دموکراسی را سرلوحه‌ی مطالبات خود نهاده بود. یک جنبه‌ی بارز این نظاراتها و نمایشهای توده‌ای خیابانی که ماهی هجرت روز - نامه نگاران غرب و تگرانی هیت حاکنه ضد هماهنگی در برخی شعارها و همزمانی آنها با نظاراتها چند هزار نفری دانشجویان ایرانی در ایالات متحد در هنگام ورود شاه به واشنگتن بود.

انقلاب سیاسی مبارزات خوسن اخیر در تهران و برخی شهرهای دیگر از دانشگاهها و مدرسه‌ها - لی بویژه دانشگاه صنعتی (آرپامهر) و دانشگاه تهران آغاز شده است. دانشجویان بار دیگر در مراحل اولیه‌ی انقلابی مبارزه سیاسی نقش پیشا - هتگی را ایفا کرده و از طرف تفره‌های دیگر رو - شتنگران و توده‌ی مردم شهر حمایت می‌نمایند، تا بدین مبارزه به کوی و برزن کشیده شود و پرچم مبارزه برای دموکراسی را بدستان بینه بسنند. طغی کارگر بدست گیرد و در صف اول مبارزه گام بردارد - دستانه‌ی که برای حمل و به طغی پیروی رسانیدن اول پرچم بعد کافی نیرومند است و جنبش توده‌ای دانشجویان اگر واقعاً خواهشان پیروی است باید این واقعیت بشکود و خود را در خدمت آن قرار دهد. دانشجویان باید با همی وسایل ممکن تبلیغ میان کارگران و زحمتکشان برونند و از آنان در مبارزه‌ی خویش پشتیبانی گیرند.

در دو سه هفته اخیر، یعنی از هفته آخر آبان تا اکنون (دهمی اول آذر) مبارزه‌ی سیاسی توده‌ای بطرف هجوم های وحشانه‌ی پلیس مأموران ساواک و گاه وارد شدن پای قوای نظامی بدان کارزار و دستگیریهای بی‌پای از مبارزان و آزاد یخواهان، همچنان ادامه یافته و ابعاد تازه - ای پیدا کرده است. همین اواخر دانشگاه صنعتی (آرپامهر) دوباره بروی اعتراض رفت و اعتصاب تا حد نظارات همایشان گفلا یافت. صفا در میة معلمان و سایر فرهنگیان نیز آزاری سیاسی بدست پا میگردد.

هزاره با این موج مبارزاتی در آستانه نزدیک با آن مخالفت لیبرال - دموکراتیک سازماندهی و نمایندگانی طغی بوزرواری طی ما و فتنه‌های روشنفکری وابسته به آن نیز بالا میگردد. تعدد ادی از اغامها و ادوای اعتراضی از این سمت سیاست، البته برخی از آنها با مانورهای برخی محافظان -

لای بوزرواری و مالکان که در اعتراض خود به خود - سری های دارو دست‌های شاه منافع وارو دست‌های خود را دنبال میکنند در آمیخته است. در اینجا در عین تمیز دادن این واقعیت باید به بخرنجهی مبارزه سیاسی و اجتماعی در جامعه عقخان آلود و استبداد زده‌ی ایران که قدرت سیاسی اهرم فعال مایشانی باند‌های گوناگون میشود این برد و نه چون فرصت طلبان بدنیال هر جریانی در بحران عمومی و چند جانبه‌ی کنونی بند خود را از دست داد و نه آنکه چون دگمانستها و قافیه بافان "کمپ" همه چیز را بخاطر این یا آن سیاست امپریالیسم و بازی عمالشان پنداشت و واقعیت حرکت جامعه‌ی ایران را بسوی یک انقلابی و مبارزه و کشاکش کتبه‌ای واقعی طبقات اجتماعی را در شرایط بحرانی تشخیص نداد.

کوشش اخیر هدای از نمایندگان سرکستانس ملون ما نظیر آقایان مهندس حسینی، بختیار و دیگران برای اعلام یک حزب جدید در باغ گلزار و قرار دادن آن در برابر حزب فاشیستی رستاخیز نشان داد که تا چه حد ملون با نام طلبیست که در عمل نمایشی اخیر خود بطور و خشنه‌ای برود هجوم اوباشان ساواک و ضرب و جرح آنان قرار گرفتند، به تکیه ها و روش سلامت جویانه نمایشی و ساده لوحانه‌ی گذشته خود پای بندند. بگر چه بی‌هی طلی نوم و حتی اولش با نام طلبیست نمایشی و جلب امید مردم به حرکتشان چه کردند که اکنون عیناً از توباید به همان نوع بازپها رفت. البته ملون و آرزوخواهان بوزرواری هم خوشت نسبت‌ها و کارگران نیز برای پیشبرد مبارزه خود همت کردند. مبارزه‌ی همی مردم نیازمند خیزند. این برای بشرقت پیروزیند انی مبارزه‌ی همی مردم بر علیه استبداد و امپریالیسم، راه آنکه سناها مخلوط نشود، مفید است. لکن اعلام نمایشی حزب - عرفلان بسیار خد نرفراگه و جمع شدن عده ای بدو آن تحت عنوان مبارزه برای آزادی با تشکیلات حزبی و دانش برای مبارزه - جدی و واقعی علیه استبداد از جنبش پهلوی کاملاً مغفوت است. برای حکومت مارخورده انی شد که شاه و اربابان آمریکائیش، از این جنبش عقب نشینی در شرایط بسیار تنگ بحرانی، که نمیتواند پیروی هم پیش آید، همین اجازه داد که چنین گونیسی نمایشی و آرزوخواهان ملون بوزرواست و اینزومکن است فرد هم چنین اعلام کرد نهائی قابل تحمل نشود و بعنوان یک "پیروزی بزرگ" توسط ملون لیبرال در میان مردم تبلیغ گردد.

دوخط مشی در جنبش دموکراتیک در ایران هم فرار گرفته و تقابل میباید؛ با خط مشی لیبرالی، خط مشی بوزرواری مشروطه طلب، که با چشم امید دانشن به مانورهای ریاکارانه و اشتگن و لیبرالیسم امپریالیستی و سیاست خواهش رنشا از بوزرواری می - گویند تا با سوار شدن بر پیروزیهای ماهیتاً انقلابی توده‌ی مبارزه‌ی دموکراسی، حکومت استبداد ای - فاشیستی را به عقب نشینی و ارایه‌ی سازش با بوزرواری در جارجوب رژیم مشروطه سلطنتی راهی کند. ای خط مشی انقلابی، با خط مشی بوزرواری در مبارزه، که با مبارزه با توهانات لیبرالیسم بوزرواری، توده‌ی های مردم را برای یک نسوی حساب انقلابی را استبداد فاشیستی حاکم و به جنگ آوردن در دست سیاسی هیچ خواهد کرد. ملون بوزروایمکن است با ترساندن رژیم از انقلاب توده‌ی ها، انشازاتی برای خود بدست آورد. این راه ورسم کهنه شده‌ی آنهاست. آنها امروز از دل آوری مجاهدان ضد مشروطه سخن می‌رانند و سر سر آرمگاه سناخان به آزادی شوکت مسجونند اینها همه خوشت و راه همان راه مجاهدان مشروطیت و راه سرد از ملی است. ولی مجاهدان برده‌ی سرد از کیر خود در میدان نبرد و یافتن بود که بدافع آرزوهای بخرانستند و حقوق مردم را طلبند.

طغی کارگریان از بوزرواری طغی مردم را بدو جهت در زیر پرچم خود فراموشاند. سؤال کشید: مجلس ملی آیا یاشاه باقی شاه؟ یا مانگان و اسرافیت بوسه و خفاش ضد دموکرات یا بگویند. مسامح با یگانه‌ی امپریالیسم و قوود انیستی ضحوم و سیا دهفانان دموکرات؟ همزیستی با سلطنت پهلوی و رضایت دادن به مشروطه سلطنتی، یک دموکراسی نام بند تحت محاصره‌ی دربار جاسوسان امپریالیستی و انگلیسی، دموکراسی توخالی، مرحمتی و ضد توده‌ی ای بقیه در صغدی؟

ناگتیک کهنه شده

در بار پهلوی هرچه بیشتر با بیج مقاومت و مبارزه مردم ما رویو می‌نویسد بیشتر به شیوه‌های فاشیستی پناه برده و می‌کوشد با ضرب سرتیستر و باطوم صدای اعتراض مردم ما را خفه سازد. تشکیلات باند‌های سیاه درباری تا تشکیلات کهنه شده‌ی رسوائی است که بعنوان یک شیوه‌ی جدید مقابل با مبارزه ان مردم از طرف این کانون فساد و نهایی پیش گرفته شده است. ولگردان سازمان امنیت، عناصر دشمن حوی پلیس و حرفه‌ای‌های گارد های ویزیمبا لباسهای شخصی گاه با بازینده‌های سیاه و سفید و گاه با آرم "حزب رستاخیز" دسته دسته به مراکز تجمع مردم، به دانشکده‌ها و به هر حلقی که احتمال مخالفت با خیانت‌های رژیم در آن داده نشود، حمله کرده با جوب و باطوم و زخمیر و اگر لازم آید سلاح گرم گرم مردم بی سلاح را مورد ضرب و جرح قرار داد و آنها را که از قتل بدستور بالاتر رسا در میان جمع نشانده کرده‌اند به قصد کشتن می‌زنند و حتی انجم این اموریست شد با غریب‌های "جانب" وید شاه، جابید شاه " محل پرورش را ترک میکنند. در جریان حملات این باند‌های سیاه درباری تا کنون صد ها در انشجوی دختر و پسر و افراد غیر دانشجوی زخمی شده‌اند که بسیاری از آنان چندین تشکیلاتی بعنوان علامت این جنایات با خود دارند و از قرار تعدادی نیز تا کنون بدست همین آدمکشان به شهادت رسیده‌اند.

این ناگتیک در بار پهلوی یک ناگتیک ضد انقلابی کهنه و باطوم است با پرونده‌های به قطر بیرونده‌ی جنایات پنجاه ساله‌ی دربار پهلوی. ۷۲ سال پیش در سال ۱۹۰۵ و تزار روس برای مظلوم با مسازرات کارگران جایگاهها و راه آهن دست‌های "باند سیاه" را تشکیلات داد که دست همین کاری را میگردند که امروز باند‌های سیاه درباری در ایران سران میکنند. جناح کارگری را مورد حمله قرار داده می‌زنند و می‌کشند و با فریاد "زنده باد تزار، زنده باد تزار" محل جنایت را ترک میکنند. و از آرزوهای تا کنون این یکی از شیوه‌های ارتجاع در مقابل با مبارزات مردم در تمام دنیا شده است. در آقار سالهای ۱۳۰۰ که انگلیسها با برنامہ رهاخوان تزاری را قدرت میدادند تا به شاهي برسانند، برخی عناصر ملی در مجلس و در جراید با قدرت با یایی بیشتر تزاری وقع و هرزه‌ای که تا اینجا به دست دست‌نشینان رژیم در سرد ارسپهی رسیده بود مخالفت کردند. رهاخوان بدستور جاسوسان انگلیس از یکسو استعفا داد و از سوی دیگر تزار - اقیایش را واداشت در شهر بعنوان مخالفت با استعفاش خیابانها را شلوغ کرده مردم را کشتن

سمنامی روزنیو نیستها

بحران اقتصادی رژیم دارد یک بحران اقتصادی - سیاسی تمام عیارند بل میشود. نظم ارتجاعی "انقلاب سفید"، بطریق تلاشی بی ثمر انقلاب سفید مان در هم می‌ریزد، نسعه هائیاچار تا حدودی در شل میشود و تفره‌های مختلف احتضار عسی به حیابانها پیروزند و دیگر هیچکس نمیتواند خود را پشت بخت شعاری مخفی کند. آنچیز روزانه در جامعه میگردد، سنگ حلق است بر ای بازشناسی عسبار صداقت هرگز، و در ارام جریان است که باید بدان اس سمنامی هائیرسعت و دوسان و دشمنان مردم رابسه عینه در برابر دشمن خود بیستند و ششاند، و گرفته و نگرانی‌ها ناگهانی، میوان خواند و نه تعافیل، بلکه خود فریبی و مردم فریبی است.

ماریخ زده‌ی کهنه مرکزی حزب توده و سازمان وزیند با دگر حرکت جامعه در ارجان میگردد و کم کم است که خود را برای زن نشی دیگری جنبش آماده سازد. سیاسی های این باند سرسیر و در سطح توده و تلاشتن برای به گمراهی کشاندن آن اس سیاسی هائیرسعت و دوسان و دشمنان مردم رابسه عینه در برابر دشمن خود بیستند و ششاند، و گرفته و نگرانی‌ها ناگهانی، میوان خواند و نه تعافیل، بلکه خود فریبی و مردم فریبی است.

بزنند و "زنده باد سرد ارسپه" فریاد کنند. در بیرون شهر چند بنا و کارگر ساختمانی را که تا دیر وقت کار کرده بودند و به شهر باز میگشتند ریزاریکی سر بریدند. آن یعنی کار سرد ارسپه نباشد همه جا را انشازات و تاشی مگردد. سالهای ۲۰-۳۲ از آنجا که جنبش خلق برپا بود و دشمنان خلق نیز بدو نوظه می‌چیدند یک کلکسیون کامل از این باند‌ها را در خود دارد. در همین سالهاست که با استفاده از همین ناگتیک ضد انقلابی ارتجاعی و عشایر خنوب ساخته میشود تا "حزب" ساطور بدستان "سومکا" و در آخر کار نیز در ۲۸ مرداد ۳۲ این شعبان بیخ‌ها و گلکده اعتقاد پیدا هتند که بنیابیش تا تک و توپ‌های ارتش به حیابانها می‌ریزند و فریاد "زنده باد شاه" میکنند. آیا اینسعه سابقی ضحاحت برای رسوائی این ناگتیک نوین در بار پهلوی کافی نیست؟ آیاسا - لپا فریاد "جابید شاه" کشیدن فته کشان و ساطور بدستان سومکا و حملاتشان به دانشگاهها و بد - این تهران تحت لوی دفاع از همین در حد لازم اقتدار این نوظه تیره است؟ اگر چنین است نخست دست به امان چنین نوظه‌ای رسوا و بی‌آبرو شدن هیچ نیست جز نشانه‌ی ورشکستی کامل دربار پهلوی و رژیم "انقلاب سفید" ش - روزنامه‌های درباری با تحریف خبر پرورش و ششانی این باند های سیاه درباری به تجمعی از نیروهای ملی در باقی در کاروانسراستکی میکنند و قبحانه تنگ این جنبش کثاباتی را به گردن کارگران قهرمان ایران بیندازند. کجیان، دو مرد آدر، میونسید - گروهی . . . در باقی واقع در کاروانسراستکی اجتماع کرده‌اند و این افراد در اجتماع خود ضمن ایراد نطق و خطابه و بخش اغلامیهای تحریک آمیز، شعار ضد میهنی میدادند . . . در این هنگام جمعی از کارگران کارخانه‌ای که از محل اجتماع بدکسور میگذشتند، با مشاهده این افراد متوقف شده و هنگامی که شمارهای آنها را که حسابی مطالب ضد ملی و مسائل ضد میهنی بود شنیدند بقیه در صغدی؟

یکسکند زدی!

فهرست سرمایه‌گیر ایرانی خارجی در آمریکا سال ۱۹۷۶، چندی پیش از سوی وزارت بازرگانی این کشور منتشر گردید (دالند تیونین - ۲۱ ساله ۱۹۷۷) و این اولس باری است که چنین فهرستی علاوه بر نام کشورها، اسم یکایک سرمایه‌گذاران نیز ذکر میکند. در این فهرست و به عنوان بزرگترین رقم سرمایه‌گذار ایرانی مستقیم خارجی در یک معامله نام بانک عمران بانک شخصی شاه، و جنبش مسجود، معاطفه دگر سرمایه‌گذار ایرانی است که این بانک مشترکاً با شرکت زوزو کانیزارو معاطفه ساختمان هتل و مجتمع کنونی و تمارتی - بلخ ۵/۰ میلیارد تومان در شهر نیویورک انعام داده است و سهم بانک عمران در این سرمایه‌گذار ایرانی بالغ بر ۷۰/۱ میلیارد تومان است.

دنگامه مسئله‌ی مسکن در کشور بدلیل زمین - خاوری مانده و اوردسته اند و دیگر مالکان کسراود، بزرگ به معطی لا شعل تبدیل شده است؛ شاه، خائن پهلویانی را که از مردم چابیده است در امور ساختمانی در امر کار سرمایه‌گذاران میکند تا از این راه هم بولهای دردی در ارباب روزمارد افراد و دودوم خوش‌خند شش را به اربابان امریکائی تاش کند و دومی تازه در رگم ای صنعت ساختمانی بحرانی در امریکائی جاری سازد. رقم ۷۰/۱ میلیارد تومان، از گان انشازات سالانه‌ی ای که برای مسکن در طول برنامدی پنجم در نظر گرفته شده است (سال ۱۹۶۱/۱ میلیارد توم - مان) بسترسانست و این زمین در خود فروخته، چنین مبلغ هتگی در این یک طم معامله بیای ارسابان امریکائیش برخته است. در حالیکه انوهی ارسپه زحمتکش سپن ناماری دفاع از آلیونک خوروی خود سادیده روز با مأموران شهر آری و زائد ارمهای سلطنتی بزرگ کشنده، تروت همین مردم صرف هتل - سازی و حاند سازی در سوآرولشان میشود.

این حسابان خود بد شاه خراک مردم طاران ربار - سانی تضامن و احرای هزینه دوبرسکتک مسان را اندام این حاشن که سالهاست از سوی تلسمبران صادر شده است، مضمم برکتک دشمنی دگر بوری نخواهد داشت و شاه آرزوی سود بیروی ایران سرمایه‌گذار را در روز روز زیاد اورد تبعیده، بگور خواهد برد.

### سفر سادات به اسرائیل

اخیرا سادات برای دیدار با شران صوبتسم حاکم در فلسطین اشغال شده به این کشور رفت و این اقدام خود صبر خانی را که چندین سال است تعقیب میکند به نقطه یابی جدیدی رساند . سفر سادات عظیم آنچه بلندگوهای ضد انقلاب در برادر دنیا با تکرار پاره های «بتکار عظیم» «فانگلمی جهان» و غیره وانمود سازند ، «ره و برقی در آسمان بی ابر» نبود بلکه تقیبا ارامی جادوی خباثی بود که بر روزی کبردار و خائن صبر خانیست تحت رهبری اومی بیباید . این جادو را بر روزی مصر در ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۰ آغاز کرد . با بد برفش طرد رانیز دست بخت مشترک آمریکا و شوروی که بدستی به طرح رانیز-گرومگر معروف شد ( و قبول مذکر با صوبتسمیا از طریق یک رابط اصول نه شاسی ، نه مذکره ، نه صلح با صوبتسمیا تقص شد و این آغاز کار بود . ۱۰ فوریه سال بعد ( ۷۱ ) سادات کسه مطبوعات ناصر را هم نداند اعلام کرد که در صورت کنار کشیدن صوبتسمیا از بخشی از ساحل کانال حاضر است کانال سوئز را بر روی کشیانی بین المللی باز کند . ۱۵ فوریه همین سال ۲ اعلام کرد حاضر است در صورت تخلیه اراضی اشغال شده در سال ۶۷ با اسرائیل بیان صلح امضا کند . ۱۱ نوامبر ۷۳ بعد از جنگ پرهامی اکثر که آن نیز از دیدگاه سادات و همکارانی هایش - و نه از دیدگاه مردم عرب و جنگجویانش - حلقه ای از همبسن زنجیری سازش بود قرار داد ترک معاهده امضا شد . و از این زمان به بعد آنچه در این مجال صورت میگردد دستاوردهای کمبسنجر است . چند ماه بعد ۱۸۰ ژانویه ۷۴ ، موافقتنامه جدا - جدا نبروا در صحرای سینا امضا شد . ۵ ژوئن ۷۵ کانال بوسلیه کارخانمان امیرالیمس احسن بازگشایی شد و سادات به صوبتسمیا - احسن نیت نشان داد . چهارم سپتامبر ۱۹۷۵ دومین قرار داد حد اسازی نبروا در سینا را امضا کرد . طی تمام این سالها در هرگونه توطئه جینی علیه انقلاب فلسطین شرکت کرد و تمام امکاناتی را که در مصر جنبش فلسطین داشت از آن گرفت ، و بالاخره در سال ۷۶ با تکلیف مادی و انسانی خود به فاشیت های لبنان فعالان در سرکوب انقلاب فلسطین در این کشور شرکت کرد . باز از این سو نیز «حسب نیت» خود را به صوبتسمیا نشان داد و بالاخره امسال برای به نتیجه رساندن کودتای گشته و آغاز کردن مرحله ای جدید در ساختن و باخت های ضد انقلابیین به فلسطین اشغال شده سفر کرد . سادات از زمانی که ریاست جمهوری خود را آغاز کرد آگاهانه و با برنامه راهی را در پی گرفت که باید با دنیا می رسید و رسید . خود تر هم در فرودگاه تل آویو به گد امار گفت : «مدها منتظر این ملاقات بودم» ، یعنی که از مدتها در برنامه بود ، منتها زیانش نرسیده بود است . سادات با این سفر خود اطمینان دیگری داشت ویر سند فروش همدی آنچه که برای مردم عرب مقدس است و پیش از همد خاک فلسطین و جنبش انقلابی فلسطین ، و از بر روزی خائن جز این نباید انتظار داشت . معیار سنجش هر چیز برای این طبقه و نمایندگان نفع سادی مطلق خود است و بس و هر - خواسی هر چه قدر نیز تکلیف و عفن اگر بوی منفعت از آن برآید بور - روزی بی محابا سر در آن می نهد . و انبهم برای بر روزی دلال حفران سورانیست . همد - نشان که سیاست درهای باز سادات و کشاندن پای سرمایه یکنه امیرالیمس تا دورترین زوایای زندگی اقتصادی مصر ، گشودن کانال سوئز بر روی کشی های دشمن ، رفتن زیر فرمان طبقه در سرار هرستان و ... همه سود مادی برای بر روزی مهر داشت و یک یک این برنامه ها را بیاد کرد ، در این معادله نیز نفع اقتصاد خود را می بیند و طبیعی است که هر چه هم بد نام جنگ باشد سر در آن می نهد . در آیدن از حالت جنگ و صلح از کجوبی سازش و خیانت ، گشودن مرزها با صوبتسم - نیست ها و کشایش یک مجرای سود آورد و سندن بقیه در صفحه ۳

کارگران قهرمان ایران را که خود بیش از همه فشار ستم و استعمار دوران سیاه پهلویها را تحمل کرده اند و هزاران قربانی در راه برانداختن این دستگاه جابر و ضد خلق داده اند شاهد دست معرفی کنند و توطئه ی تشکیل پاندهای سیاه در - براری را از چشم مردم مخفی بدارند . اما آیا این شدنی است ؟

اگر استفاده از پاندهای سیاه ابتکار سال ۱۹۷۷ محمدرفشاهان بود نه سال ۱۹۰۵ نزاریوس که کشتن سونگا هدها بار به نام «کارگر» تجمعات کارگری را مورد حمله قرار نداده بودند ، همیده - کشی های شمیان بیخ ها در پناه سرزویی نط - میان «رستاخیز ملت ایران» نام نگرفته بود ، تو - طله سیاه امیرالیمس و دربار در ایران ، انقلاب شاه و مردم «خوانده نشده بود و هدها اگر دیگر شاید امیدی برای اینان میبود .

اگر طبقه کارگر قهرمان ایران طی تمام دوران سلطنت این جاسوس چه در سالهای ۲۰ - ۳۳ با انتصارات و تظاهرات متشکلش چه در سالهای سیاه کارتا با حماسه ای انتصاب و مقاومت کوره بزخانه با . . . شهیدش چه در سالهای «انقلاب سفید» با تظاهرات خشمگین جیت کرج و دادن ۲۵ قربانی در همین محل کاروانسراستکی . . . مدام طبقه این پانده خائن و جنایتکار میازیزه نکرده بود و شهید و اسیر نداده بود ، شاید برای این سادات امیدی می بود . اما امروز برانستی همدی درها بر روی اینان بسته است .

مردم ما همین ۴۱ را هنوز بیاد دارند که «دهقانان آزاد» ایران در حالی که همه سرهاشان را آلمانی اصلاح کرده بودند و کفش های واکس - زده به پا داشتند و یکدیگر را جناب سروان و سر - کار کروهیان صدا میکردند در دانشگاه تهران را مورد حمله قرار دادند و از کشتن یک دختر دانشجو تا غارت کتله ها و سوزاندن کتابخانه ها چه دستگیرها کردند و سرکشان کردند . این «کارگران شاهدوست» امروز نیز از دست خائن «دهقانان آزاد» آرزوی اند . کارگرانی که همه با زنجیر ، پنجه بوکس و با - طوم و برخی با مفت تیر به کارخانه میرند! لاینها «کارگران شاهدوست» و «دهقانان آزاد» دربار پهلویاند . یعنی ولگردان سازمان امنیت ، عناصر دشمن خونی پلیس و حرفه ای های کارهای مخصوص . اما کارگران و دهقانان ایرانی ، آنها حسابشان با این رژیم روشن است . هیچکس را «انقلاب سفید» دربار و استعمار بارانده ای کارگر ایرانی استنثار نکرده و هیچکس به اندازهی دهقان ایرانی با این توطئه ی شوم خانه خراب و آواره نشده است . روز رستاخیز واقعی کارگران و دهقانان و نفعیه حساب نمایان با این رژیم نیز نزدیک است . آنان نیز کردنیهای سرخ خود را تشکیل خواهند داد و وقتی آنان به سرخ های همی خلق درموت رگتسانند ، آنوقت خواهد شد که این ولگردان مزدور چند مرده حلاجند .

### سیاحتی . . .

خودکام برقراری در موزکراسی انقلابی در جامعه براه افتاده ، بهمان کوره راههای بی فرجام آتش جوئی و سازش خواهد گشاند . اینرا لگتیم همین شد امروز نشان میدهد و هر چه هم بیشتر روی بیشتر خواهیم دید .

نشریه ی خبری شعبه ی جاسوسی کشته مرکزی در جنبش دانشجویی (۲۰ آبان ۱۳۵۶) بر خورده ی اردبیک نمونه از مبارزات دانشجویان قهرمان ما ، که ساینگر زمانه ی این دشمنان انقلاب برای جنبش خلق است ، صحبت از سال تحصیلی جاری است و مازاتی که آغاز شده می نویسد : «در بسیاری از دانشگاه ها احساسات دانشجویان با حضور مقامات دانشگاه ها برنامه ریزی منطقی و اصولی و بسا ارائه خواسته های منطقی ، دانشجویی تشکیل شد . در دانشگاه فنی - دانشگاه تهران - این جلسه با پیوستن دانشجویان خانه یافت . در این جلسه با حضور رئیس دانشگاه و یکی از معاونان دانشگاه تشکیل شده بود ، پن از دانشجویان خواسته های منطقی و قانونی دانشجویان را با استناد لایات معقوله و تباری از پیوستن شرح کردند . از جمله ایمن خواسته های دانشجویان اینهاست :

- ۱- و انسجام گروه نوری ، کینه پژوهشی ( و غیره ) بود .
- ۲- پس از پایان حسمان دانشجویان ، رئیس دانشگاهه بقیه در صفحه ۳

تا کشیک کینه . . .

با آنها درگیر شده و به زود و خورد پرداختند . . . یکی از کارگران . . . به خبرنگار ما اظهار داشت : که ما در ساعت چهار به طرف شهر سرد حرکت بودیم که متوجه شدیم در مسیر حرکت مسا عده های تجمع کرده و شمار میدهند . انویسهای ما بعلا از خام توقف شده بود و ما شمارها را که اکثر ضد ملی بود شنیدیم و در فاتیقی بعدد با اجتماع کنندگان درگیر شدیم و زور خورد کردیم و بعدا افراد اجتماع کننده متفرق شدند . «بوق» های تبلیغاتی دربار پهلوی با این گونه باصطلاح «خبر» دادن میخواستند مبارزه ی بحق مردم را علیه استبداد و خونین پهلوی بعنوان شمارزدن - های ضد ملی و وسائل ضد میثی معرفی کنند .

شهای کودتا و مزدوران «انقلاب سفید» و استعمار دوزکراسی سود های - اینست لایحه ی مطاب - لسات هگمانی مردم ایران . نه تعالی آزادی بلکه قیام برای آزادی تنها راه شکستن استبداد استعمار جنایتکار حاکم است ، و برای آن باید از هر سو متشکل شد و مردم را به صلح شدن روی آوری به اعمال قسبر دعوت کرد . آنان که از ستارخان ، از سردار کبیر ملت ایران ، یاد میکنند باید این را نیز بیاد آورند که ستارخان برای آن خرد آزادی ضرورتی یازده ماه جنگید و آن را به دست آورد و با شاه و سران پاندهای متعارف نداشت و رویش تنها بسوی توده های حقوق پسود - طبقه ی کارگر ایران هیچ نفعی در آرام شدن اوضاع بحرانی و تضادها و کشاکش های شدت یافته ی گونی نداشت و نی توانده به ملامت جاسوس آیدن امکان یک انتخابات باصطلاح آزاد بسرای لبرالها و آزادی احزاب و جمعیت های نشان دخواست شد و آرام بنشیند . طبقه کارگر مطمئنا از همین امکانات نیز سود خواهد جست و صدای خود را رساتر خواهد کرد : «ولی آزادی - بسرای میلیونها زحمتکشان ایرانی در روستاها ، شهرها و زلفها یعنی برای اکثریت قاطع ملت ایران که معمولاً توسط بر روزی ملی و روشنفکران لیبرال بحساب نمیانند تنها با تسویه حساب کامل بسا حکومتها ی فخرور و جاسوسان امیرالیمس و دربارشان و تشکیل حکومت خودشان امکان پذیر است . ملیون بر روزی میگویند شاه سلطنت کسه نه حکومت ، حکومت بر روزی کند و خاندان پهلوی همچنان در کارشان باقی بماند و به ارتش باقی انگل وار و مطخوری از سترنج مردم ایران - و جاسوسی برای امیرالیمس ادامه دهند . بر روزی چرا زلفه نشینان و زحمتکار کوره بزخانه و دهات حکومت و سلطنت را میان خود تقسیم کنند ؟ چرا پهلویها ، مفت خورها ، جاسوسها و نوکران آمریکا و انگلیس سلطنت کنند و نه کارگران و زحمتکشان دهات و شهرها ؟ چرا سلطنت مطخوری و دزدی و نه سلطنت رنج و کار ؟ این متوالیست که سیاستمداران لیبرال بر روزی از پاسخ بد آن ظفره میروند .

آنکون که طغیان سیاسی دانشگاهها آغاز شده و جو سیاسی بزبان حکومت ظردی شاه دارد تغییر میکند لازم است که کارگران با تمام نیرو با به میدان مبارزه گذارند و با انتصاب و تظاهرات سیاسی از جنبش دانشجویان و روشنفکران آزادیخواه دفاع کنند ، با گروههای کمونیستی رابطه برقرار کنند و نشریات کمونیستی را در میان تعداد هر چه وسیعتری از توده های کارگری ، زلفه نشینان و همه ی مردم پخش کنند و محافل مخفی برای طاب - لعوی آنها و بررسی مسائل سیاسی روز تشکیل دهند و خود را بدینشان متشکل کنند . تنها طبقه کارگر قادر به رهبری مبارزه مردم برای دوزکراسی است ، و اگر قرار است این مبارزه را رهبری کند باید دارای تشکیلات ، حزب انقلابی خود باشد . این حزب نه تنها همه ی کارگران سراسر ایران را در زیر پرچم خود متشکل خواهد کرد ، بلکه به آگاه کردن و برانگیختن دهقانان در دهات و یک ملیون زلفه نشینان شهرها خواهد برداخت و به آنان نشان خواهد داد که تنها راه رهایییشان اتحاد با طبقه کارگر در مبارزه ی گونی برای دوزکراسی میاست .

اشغال میازیزه . . .

سالهای قبل از کودتای مرداد ، خواب کردن مردم و بستن میدانان به سیاست ، امین المللی و خوض - رفته های مردم در ان ارتجاع نگار ایرانی ، حاصلش شدن میان مردم و دشمنان مردم و ارائه برنامه ها اصلاحی جهت تخفیف بحران گونی . . . در برنامه ها بازمهر فرار سید کورناها و «انقلاب سفید» ها و وتل عام آزادی و آزار بخوانها . . . با پیوستن و چنین راه آورده شده ای ، مردم نمیتوانند موافق باشند .

از هرگام واقعی که ملیون بر روزی راه آزادی ایرا بردارند و هر ضرری ای هر چند کوچک که به استبداد فاشیستی حاکم بگویند ، البته باید پیشانی کشید و طبقه کارگر آگاه هیچگاه از این پیشانی در رخ نکرده است . این کارگران کارخانه ها بود نکه از یک روز قبل از سی تیر ، هنگامیکه ملیون بر روزی ترس قیام مردم ، در ارتجاع سیاسی قاطع در دستک و تردید بسرمیروند و بجای فراخواندن مردم به خیابانها آنانرا دعوت به ماندن در خانه هایشان میکردند ، قدم پیش گذاشتند و همه را ، چه سران مذابذ احزاب جبهه ملی چه دربار فرصت طلب حزب توده را ، واد آریه مقاومت بر روزی ۳ تیر کردند . خون رادیراه بارور کردن تخمس آزادی ، زحمتکشان میدهند ملیون انرا بر روزی میچیند و سپس به ارتجاع سلطنتی متعارف میکند . ارتجاعی که صد بار فاداری خود را به اصول استبداد دور بریت فاشیستی اثبات کرده است ، صد بار زنگار کرده است و درمل نشان داده است که من بخدا ، به پیر به پیغمبر اهل آزادی نیست و حتی از گدگه دوزکراسی همه بیزارم .

مردم ایران نمیتوانند با اینکه توهنت سوازش کنند . راه بر روی ملیون لیبرال برای مبارزه واقعی و متشکل بر علیه ظهران حاکم و استبداد خونین آنها ، بر علیه امیرالیمس و زلفه نشینان است ! لیکن بر علیه امیرالیمس بر روزی ، بر پیشانی های سازش و مام - شات طلبی ، بر پایه یستن های فلابی به مناره های هوا فربهای فلان کار ترمو جف نشینی های تا کشیک و وزیرانی شاه وادارده است این برای گذراندن نند - باد گونی از سر مود ، خام کردن مردم به نمایندگی «منطق» و «بانتجه» لیبرالها در برابر خوضتای و نندروی «تیر منطقی» و «بی نتیجه» انقلابیون و در افتادن ملیون لیبرال به این دام ، خبر بسته است باید بسته بماند .

طبقه کارگر ایران باید سره رین رویه اد های سیاسی گشوده کرده در تعیین مسیر هرمان ساج - سی و هیجان دوزکراسی گونی بدالت کشد و بدش - انفعالی خود را با انتصاب و تظاهرات در همراهی و همبستگی با جنبش دوزکراسی دانشجویان و فرهنگیان و روشنفکران آزاد بخواد ، با طرح شمارها و خوستای دوزکراسی ملی همه ی خلق درموت رگتسانند . همه ی مردم از جمله بر روزی ملی و لیبرال روشنفکران - نتن به یک مبارزه ی طبعی و بیرحمانه بر علیه حکومت سفاک پهلوی و هر استرگران داخلی و خارجییش ایفا کنند .

دوزکراسی به بین کارگران و دهقانان دوزکراسی نیست و معلوم نیست این دوزکراسی برای کیست . دوزکراسی باشاه ، باد پارون نگاه پوسیده ی قودال - فاشیستی سلطنت پهلوی ، با حضور سردمداران و عاملان استبداد خونین و مینا یکبار . . . ساله و دوزکراسی نیست و دوزکراسی نمیشود . با ولودین جاسوسان و اموران مخفی وطنی آمریکا و انگلیس در سراسر ایران و پایگاههای نظامی شان در جنوب ، نه در زیر پرچم سه رتک مخفی کرده اند ، نمیتوان از آزادی برخوردار گشت و سرزوبت همین خود را تعیین کرد . دوزکراسی بدون آزادی ملیونها دهقان ایرانی در تعیین آزاد انسی زندگی اقتصادی خود و پایان دادن به فعال - مایشانی امیران دولتی ، زانده امیا ، مالکان و شر - کنهای غارتگر امیرالیمس ، زمین زدن و نعاوم و نی های بیورکراسی و باج بگیران مدرنیزه شده ی شاه ، دوزکراسی توهالی و بی ریشه ای است ! دوزکراسی نیست ، روشنی است . سرنگونی حکومت جنایتکار و خائن گونی ، برچیدن بساط سلطنت فرتوت و تنگن ۲۵۰۰ ساله و تشکیل مجلس مؤسسان خلق جهت رسیدگی به حساب و سال جنایات خاندان پهلوی و ظلم ایران حکو -

است. این جانب "زیادی" سنگی سیاستمداری جا -  
 سومان روس در وطن ماست، جانبیه زشتی هم دست  
 شان بازیزم در سرگوب مردم و بیرون جاسوسه ران  
 آد کتکی ها و ناخاست و تازهای ولگردان در بیرون  
 است. پلیس ریخته و انگشده ای فنی را تعطیل کرده  
 عده ای از دانشجویان مبارزاد سنگتگرده و اسامه  
 تمام شیوه های فاشیستی خود در دانشگاه ادا کرده  
 میدهند. اینان این سبب را چنین میبینند: "...

تعدادی از دانشجویان احتمالاً آبیانه تحریک پلیس  
 دانشگاه چند شیسه و انگشده را سنگتگرده وید کار  
 دانشگاه برای تهاجم بیفانه لازم را بدست دارند"  
 اگر کار در دانشگاه به و انگشده فنی ریخته، آنجا  
 تعطیل کرده و دانشجویانی را بازداشت کرده و اگر  
 هرگونه وحشیگری کرده و این نه تقصیر کار بلکه تقصیر  
 دانشجویی است که باید روی خود بیفانه تها-  
 جم را بدست کار در اده اند. باین حساب مقصود  
 اصلی درک امیک از جنایات. جمالی در بیرون پلیس  
 خود این قانون فساد و تهاجمی است؟ سراسر منطق  
 کتبه مرکزی هیچیک در همه ی موارد این مردم و این  
 کارگران در دهانان و دانشجویان، روحانان و ...  
 بوده اند که "بیفانه لازم" را برای تهاجم بدست  
 داده اند، وگرنه سوارک و پلیس و ارتش و زند ارمایی  
 شاه با کسکی کاری ندانسته اند. این "جب روی" های  
 خود مردم و کارهای غیرمنطقی و "عمر اصولی و غیر-  
 قانونی" شان بود که باعث آنچه کتبه کنش روز جمعه  
 شکسته شده وگرنه از هزارها وگرنه از بیست و نه  
 کاری نبود. ... میبیند در همه حال انسان در کار روز جمعه  
 بجای ورود روزی خلق ما ایستاده اند. با حساب  
 اینان بوش از جماعت ۲۸۸ مرد ۲۴ وگرنه تهاجمی  
 هم بعلمت "جب روی" های کوششهای ریخته و  
 کارگران قهرمانی بودند که علوم همی ایرونوتیست،  
 و سازشکار حزب بوده و در روزهای پیش از کتبه تهاجم  
 سرنگونی رژیم پارتیسم مردم برده و "بیفانه لازم"  
 را بدست در تنین داده بودند. فقط منطق انسان  
 در تهاجم بود فی قهرمان تهاجم در روز جمعه رژیم  
 کتبه تا بمل رسیدند، هفت قطشان "جب روی" خود -  
 خان بود که همانند برده بیفانه برای های با هم  
 های فرایشان حاضر شدند از خریشتان پایشین  
 بیفانه و جوسورانه در برابر مردم و توطئه هایش طاقت  
 نداشتند و "بیفانه لازم" را بدست آنگشان بیفانه  
 داده اند. بر این میناخون صد هاد دانشجوی قهرمان  
 نی سرکه طی سالیهای کتبه انقلاب "خبر" رژیم  
 ریخته و افتد جی و بزرگ نیابت ریخته رضوی استاروز  
 همه بگردن خود دانشجویان است که نشانها و هرات  
 به خیابان ریخته ها و شعار دادند آنها خود "جب-  
 روی" کرده و "بیفانه لازم" را به پلیس داده اند -  
 نه گردن رژیم بپولی. و با این حساب هیچکس  
 در جامعه ما با کتبه و معسوز سرازیم در حال نیست،  
 جالب در اینها شعار "سرنگونی" این در حال سیاسی  
 ناپاکراست، روشن نیست پس چگونه میخوانند این  
 رژیم را "سرنگون" کنند "سرنگونی" بدون شکستن  
 حتی یک شیسه! "سرنگونی" یا "استدالات منطق  
 و حواسنهای" قانونی "سرنگون کردن رژیم سده  
 ن دان هیچگونه "بیفانه لازم برای تهاجم" بدست  
 مزدوران رنگارنگ این رژیم و تنگ بر شامکاران  
 خود فروشی اگر با رژیم دست از سر جیش مردم مایس  
 ندر اید و روی بر ما کوششها اگر با رژیم با هم کاری و  
 دست نام کاری خود به نقوذ این عاملین دشمن در جیش  
 مردم سان باید به بیم.

دانشجویان دانشگاههای ایران سالهاست  
 خط و مرز خودشان را با ما چگونه تصاحب و راه ناپستی  
 "منطقی و اصولی" ایان روشن کرده اند و وظیفی  
 در هم با ما رژیم قهرمانانه ای که هیچکس نیز نماند از وی  
 یک حوشین با مظهر حواسنهای "منطقی قانونی" -  
 انحن کوهنوردی، گناخانه، میدان ورزش و یا  
 اردوی تابستانی و ... نینورده، نشان داده اند  
 که نه تنها در اندیشه و حواسنهای منطقی نیستند،  
 در هیچ اندیشه و دست و پاگیری هم که آنهاست  
 را و مبارزه شان را به چهار دیواری محدود و  
 کده نیستند بلکه برای خود رسالتی بالاتر از اینها  
 یافته، برای خود بعنوان حاضریین بخش جامعه  
 وظیفی و آگاهسازی مردم و وظیفی خود خستند  
 زنجیران و زنجشکان و برافراشتن برج اعزاز و  
 معاونت و مبارزه و سر هر کوی و میزن را در پیینه جامعه  
 یافتند و این مبارزات سالهای اخیران فرزندان  
 خلق نشان میدهند و حال یک از خود فروشان کتبه

مرکزی اینهمه مبارزات قهرمانانه را "جب روی" و  
 "تحریک پلیس" بخوانند، بگذریم صد هاد دانشجوی  
 قهرمانی را که این سالها ریخته شده بگردن  
 خود دانشجویان و نه دستگاه سفاک بپولی بداند.  
 در سایه کارپارنامه متحد، آگاهانه و تهاجمی روزی  
 کوششهایاد پیکر انقلابیون ایران مردم ما حساب  
 خود را بیاند و در باروان کتبه مرکزی یکجا تصفیه  
 خواهند کرد.

سفر سادات ...

سود او برای طبقه حاکمه مصر و همچنین  
 باند حاکم در تل آویو، جلب اعتماد کامل آمریکای  
 و گشودن مجالهای وسیعتر جبارول خلق مصر و  
 دیگر خلقهای عرب و باز از این جزا هم مسودی  
 بردن، کسب رهاقت کامل در بار تهاجم سرستان  
 و گرفتن سهم بیشتر از غارت منابع ملی مردم آن کشور  
 و ... طبیعی است روزی در لال مصر و نمایندند  
 امن سادات در راه دست یافتن باین همه مسود  
 همه بدست مردم را حاضرند زیر پا گذارند و  
 گفتند - مقدسات مردم است و از آنها که نیست!  
 البته سادات برای خالی نمودن هر چه از فلسطین  
 و "حق خلق فلسطین" نیز یاد کرده اما باز حق  
 این خلق از بدگاه روزی در لال مصر، سادات  
 خطاب به سرگردان صهیونیسم گفت: "شما نباید در  
 از کتبه کوچکی که برای ادا می زندگی به کسک  
 همه ی جهان ناز دارید بترسید". این جنسین  
 "کتبه کوچکی" است "حق" خلق فلسطین از بدگاه  
 سادات یعنی توطئه ای برای سرگوب انقلاب  
 فلسطین و خلق آلت، دست برای "سوا" استغاره در  
 داد و ستد های بعدی، از این "حق خلق فلسطین"  
 است که سادات در بارلمان هم بویستند "سادات"  
 مکتد، حتی که بگفتی خود ش امیرالیسم امریکایی  
 هارترین ستاد ضد انقلاب جهانی نیز آرتور اولد  
 و این "حق" خلق فلسطین نیست، حق روزی خود  
 ثن صورتی است به حساب خلق فلسطین و این حق  
 تنها روزی در لال مصر هم نیست، اینرا تمام جمیع  
 ضد انقلاب جهانی و در شام، و برافراشتن و ارتقا  
 عرب خود میداند، تقدر امیرالیسم امریکایی  
 سواحل امیرالیسم امریکایی که در آنجه علمه انفسلاب  
 فلسطین و نه غلبه دولت فلسطین - در منطقه  
 دیگر در روشن تر از آن است که نازی شوخی داشته  
 باشد، سادات بخوان بنک مهوری امیرالیسم امریکایی  
 امروز در منطقه غلب میکند و این در کار تهاجم خود  
 شافع امیرالیسم امریکایی است که او را رهبری میکند.  
 سواحل امیرالیسم روس تنها در افواش بر سر است  
 که سادات از این خوان بعضا سهم گیری نداشتند.  
 اعتماد تر از این نوبین به سراسر اب اینست که سادات  
 "سادات و اردی القدر است" شده مشهور است  
 مذاکرا از بدگاه ایان ای برهبران اسرائیل انجام  
 دهد "تاس"، یعنی اعتراض به اصل مذاکرات  
 وسامت و احتیاج نیست، اعتراض به "مذاکرات بدون  
 آستد، اگر گفتار ش روزی بر قومیت مشترک امریکایی  
 و شوروی بود، یعنی این حاشیه هیچ ایسرادی  
 ندر اید. اینهم "حق" آنهاست و بر همین ساقند  
 هدفی در جیش عرب که امروز بود بانه کتبه کرده  
 اند، غلبه و خریبان و داد و قال بر آه انداخته اند.  
 در بارستان تهاجمی سادات در راهی  
 نغده های خاتمانه اوست و در هر گام بیانت مالک  
 به این گامین توطئه است که سادات پیش میروند.  
 ملک حسین بر امد رمد رضاشاه دشمن تاروف در خلی  
 مردم فلسطین است و خود یک پای همی است. تهر  
 طاق ها، است حاشان با داد و فریادها بشرطیکه  
 سادات صیحه اهداد نظیر بر تهاجمی ای که دشمنی  
 خود بریزد، و همچنین بسیاری دیگر از متوجهین عرب  
 در بله پای میبندند، طعنا فاسد و استغفار کرد. در  
 در باران که دشمنی هم میگویند دو هادی زرگری  
 این نشان در راهی اند و از اینان سرگردان باز هم  
 خواهند دید. امروز نوبت سادات است فردا  
 حسن سیدم ایس فردا است و در پیشتر دیگران حشای  
 این خناسکاران اگر جیش هر کس برت داشته باشد،  
 بی خنلای عرب هیچ رنگی ندر اید. ساداتی که  
 امروز در بارلمان صهیونیستها میگویند: من مانده گان  
 بیامرصلح و دم نشویند ... مسوی شما آمد و ام  
 ترحیم شد اظهار خود فروشی پیشتر عشق، صلح و  
 صفا و صمیمیت است، همان ساداتی که در آنجا همین

سال باخوشی و در حد یک جنبشگر سرودنی، حش  
 پیشکشان مضره ای خون کسده و صد هاد را در خلی  
 بانهای قاهره و اسکندیه نقل کرد، همان سادات  
 تی است که طی سال جاری خیره خنده ای بوده کسده  
 ان کارگاه اشگره ای از کوششها و مبارزات  
 این کشور را محکوم به اعدام نکرده باشند. هم-ان  
 ساداتی که در دستور است فاشیستیهای لیتوانیسی  
 که اشی در وقت عام و هزاره فلسطینی و لیتوانیسی  
 مستقیما تکت کرد. آلمان جنین "بیامرصلح و دم  
 خوشی" میخواند برای مردم بصرف فلسطین هم خا-  
 یترتد، داشته باشد؟ او "بیامرصلح و دم خوشی  
 است برای شاهم یکس و یوده و اقلیت-سین  
 در هزاره مردم عرب و درست به همین دلیل سفاکی  
 خود خوار و پیش است برای خلق مصر و دیگر فلسطینی  
 عرب، و همین هم هست که هنگام سفش از بل فلسطین  
 اشغال شده نادرترین نقاط جهان، مردم عرب و  
 آزار بخواند جهان ظلمتین مبارزه میکنند و سیر امد  
 خشم و عصب مردم است که در همه جای کوشش میروند.  
 در مصر، در سوریه، در لبنان و استانبول و ... نغدا  
 هرات دانشجویان مبارزاد در تهران تنها ساداتی  
 بود از همین آتش خنکی که گل منقشه را طبع فلسطین  
 حاشان فرا گرفت و یوده و ایتر و سر اسر اسر حاشان  
 شد و این خود ناشیکر موضع خلقها در دفاع از انقلاب  
 فلسطین و مردم کردن خاشتهای سادات بود. فریاد  
 "مردم بر سادات، مردم بر شاه خاش، زننده یاد انقلاب  
 فلسطین" در دهای تهران طغین انداخت فریاد  
 اقدامات کتبه ای عده ای و دانشجویان. این موضع  
 فلسطی کارگرو خلقی مانده بوسله و دانش و مسان  
 مبارزه و نه با اقدام شده، همانسان که محض رضاشاه  
 جاسوس و دهفته پیش از سرفسادات با اورد زنجیران  
 خلوت کرد و پیشانیای خود میبندد نیم کار فو امل کتبه  
 در ش را از این خیاقت اوستقیانه اعلام کرد، خلقت  
 قهرمان مبارز با اطلاع از این خیاقت، مخالفت خود با  
 آن تصمیمات ضد انقلاب فلسطین را از زبان فرزندان  
 آگاهش بر خاد بلند اعلام کرد، و این صفت بندی سیاسی  
 است که در کار سادات و در روزی سادات همه جا  
 در هر کوی این منطقه هست، ایجاد میبندد  
 رامی نماید، جسمی از تراجیح جهانی در کار خاست  
 و راد با امر اسرائیل" نشیامت و راست "اوراسی" ستانند،  
 جسمی خلق و انقلاب جهانی نیز روزی اوست  
 و سرزن ۱۵ ساله فلسطینی میگوید: سه بر سرمن  
 در مبارزه علیه اسرائیل کتبه شده اند حاضر چهار  
 سن سیم راد راه نایب کردن این خاش تقاسمی  
 کم، و بیان این عدال بزرگ فتح بی ترسد  
 زنجیران و مستند بدگان است.

گزارشی از تهاجمات ...

تنها کار لبرال های کوشش است و نه انقلابیون  
 بیگرو ۴۰ - کتبه شد که دل خوش کردن به حرب  
 کات یاد شده کار انقلابیون بیگرو نیست، لیکن این  
 بدان معنی نیست که خطر جیش چیزی وجود  
 ندر اید. در شرایطیکه سبب وجود کتبه راه شسی  
 چوبکی و عطف توجه نیروی مهمی از جیش انقلابی  
 طی چند سال اخیر بدان موجب جدی تهاجم  
 نیروهای اساسی انقلاب (کارگر و دهقان) و نیز  
 عفا و دیها ریسه نداشتن در میان این طبقات  
 شده است، هجمنان خطر این وجود دارد که  
 اینبار تهاجم انقلابی تنوع دیگری خواهد داشت  
 طبقات کارگر و دهقان و خصوص کارگر را تا بیسع  
 حرکت های بود، تانوان (از نظر کتشی طقاتی)  
 غیر اساسی در جامعه کتبه (در کتبه حرکت  
 جیش طغنی کارگر و نیازمند بهای این تابع حرکت  
 چوبکی و نیازمند بهای آن شد، و امروز خطر توجه  
 اساسی به حرکات یاد شده و غافل شدن دوساره  
 از جیش کارگری و نیازهای آن است). منظور  
 سبب توجه این نیست که حرکات یاد شده چیزی ویا  
 خطر تهاجمی در حد شسی چوبکی است، لیکن  
 زمینه سیاسی مناسبی است برای انحراف نیروهای  
 روتنگری که به هر نوع خیالات نبرد امتن به مسائل  
 خلقی سازمانی سیاسی جیش کارگری را در ا  
 همدند.  
 امروز نیز هجمنان محور تمام فعالیت های  
 مارکسیست - لنینیست ها میبایستی سازماندهی و  
 سیاسی کردن جیش کارگری باشد. از هر اکتایی  
 میبایست در راه انجام این امر خطر بهره گرفت.

**گزارشی از تظاهرات ۲۴ و ۲۵ آبان ۱۳۵۶**

... پس از اجرای ده شب شعر و تجمع وسیع توده مردم در این شب ها تا تعداد ده هزار نفر و بعد از آن برنامه شایسته بطور هنکی با اجرا در پیامد. این ترتیب که هفتای یک شب در دانشگاه صنعتی آریامهر هنرمندی (شاعر، نویسنده، مترجم و...) به خوانندگی و شعر خوانی و غیره پرداخته و جمع وسیعی در آن شرکت میکردند. روز سه شنبه ۲۴ آبان قرار بر این بود که سعید سلطانپور به شعر خوانی و سخنرانی بپردازد. ساعت شروع برنامه ۶ بعد از ظهر اعلام شده بود. هزار تن پیشه آگاهی از ساعت ها قبل در محل حاضر شده و بتدریج وارد محل اجسرای شعر و سخنرانی در داخل دانشگاه صنعتی آریامهر شده بودند. ساعت حدود یک ربع به شش بود. علاوه بر توده های که داخل رفته بود، جمعی هم در حدود ۵ هزار تن میشد، صف عریض و طولانی تقریباً هزار نفری در انتظار باز شدن و ورود به داخل دانشگاه بود. در حالیکه هر لحظه دسته دسته عده های از سوی میدان ۴۴ اسفند و برخی از طرف میدان آریامهر به این صف پیوستند. در این موقع تعداد زیادی از افراد از کاز که در مردم در دانشگاه مستقر شده بودند تحت عنوان گجا پس نشان شدن محل اجرای برنامه و وحشت از آنها شت توده های هرچه وسیعتر که اینک توجه مستام هابری و مسافری مابین هانی را که از دو مسوی خیابان آریامهر میگشتند بخود جلب کرده بودند. بطور وحشیانه ای به پراکنده کردن صف برداشته و بیکارگی سیل جمعیتی که در انتظار باز شدن در ورود به دانشگاه بود و اینک با حمله نا جوارنده و پیمانهای افراد کارز رویو شده بود به عقب (سوی میدان آریامهر) پراکنده و جاساری شد. این تکل انحل خورد بخودی در مقابل یک هل پیش بینی شده بود. لیکن هنوز صف در حال بود نشینی بود که صدای "برگردیدم" "بایستید" "جمع شوید" از جانب عناصر و همعشاری پیتنید و آگاه و باجبره توده در حال پراکنده شدن را که بطور فزینی در مقابل حمله کارز عقب مینست بودند آرم. اینها نیرویانی که بدرستی ضرورت تاکیک جمع از طرف پیشروان برای تفریق و پراکنده توده در رفته بودند با فریاد جسونانی "انحاده" "سازید" "بهریز" از یکسو آتش خشمس توده را مشتعل کرده و به آنها قوت قلب داده جسات آنها را پراکنده و از سوی دیگر با طرح این شعار این واقعیت را که همانطور که در مقابل شدن آتیم همانند پراکنده شدن مثلا صف سبنا و با درگیری باستانی با مشتاقان تماشای یک فیلم پایان مید بود (که آتیم نباید بیژن بود) بلکه بعنو ان یک امر سیاسی به هنگام یاد آرد شد. باین ترتیب اکثریتی که جمع شده بودند با فریاد اتحاد - مبارزه - بهرروز - سوی در دانشگاه بازگشتند. لیکن در جرم با حمله و وحشیانه کارهای باطوم بدست جمع توده عقب نشسته و دوباره فریاد "جمع شوید" "برگردید" و بلافاصله شعار "مرگ بر این حکومت فاشیستی" توسط عناصر پیشرو توده را جمع کرده و اینک با تکرار این شعار توسط توده مبارز و جسون و بند آمدن خیابان آریامهر در هسا تن از مردم خیر عمل شاهد و ناظر این تظاهرات توده های و سیاسی شدند. دوباره جمع توده سوی کار دانشگاه حرکت میکند که بازم جریان هجوم کارهای وحشی به تظاهرات کنندگان تکرار میشود و صف تظاهرات در حال پراکنده گسی عیب می نشیند. لیکن در همین گساکن و بتدریج توده های تظاهرات کننده در میان کت تظاهرات را ند اوم بخشند و بیرون گارد نمایی مویجات پایامن تظاهرات را فراهم آورد. اضاار نیز عناصری با دادن شماره های "زنجشکان به اندیشه شاه شما جلاز است" و "سین" "کارگر در دهان" "دانشجو" نود را به تکرار این شماره پراکنده و در حالیکه خیابان آریامهر را ده ها قدم راه بعد از آن شده بود مردم را در جریان تظاهرات قرار داده و با فریاد "مردم با طبع شویید" آنان را به پیوستن به صفوف تظاهرات فراخواندند که این درخواست با پشت های گره کرده ای که مردم از داخل انبوس

ها پشنامه همسنگی گره میکردند و نیز پیوستن برخی افراد به صف تظاهرات مورد استقبال قرار گرفت. در این جریان که هر لحظه خشم و نفرت بیشتری قلوب توده های تظاهرات کننده را نسبت به رژیم مرتجع شاه می فشرد آنان به جمع آوری سنگ چهرای مقابله با گارد و چه برای شکستن شیشه های امنکی که بنوی جلوه ای از رژیم محمد زشانه ای و پایگاه های نظامی آن داشت می برداختند. در این احوال سمت گیری صحیح برخی از عناصر هویت های پیشرو یعنی برجست دادن صف تظاهرات به سوی میدان ۴۴ اسفند که در آن ساعات مرکز جمع توده های مردم شهری بود و در حالیکه گارد نیما میکشیدند تا تظاهرات را در سمت میدان شهباد یعنی جهت عکس ۴۴ اسفند پراکنده کنند علی بود به غایت درست و سنجیده که عمل مویجات ند اوم تظاهرات و نیز گسترش دامنه تأثیرات آری آترا فراهم آورد. در این حال که فریاد "بطرف ۴۴ اسفند" طنین افکنده شده بود اکثریت قریب به اتقاف توده های مبارز از این سمت گیری صحیح نهیبت کرده و سوی ۴۴ اسفند و با تکرار شعار های داده شده به حرکت درآمدند و در مسیر "شهران" و... ستابهای مراکز ملی آریامهری های امیرالیستی و دربار محمد زشانه ای که هر دم شهری جان مردم شرانفتند و زنجشکان و آزادی یار... آن را می مکند و نیز نمایندگی مابین "رتو" بنابه ی نمایندگی سرمایه های کیماردی... امیرالیستی و نیز بیسی کولا پرداخته و همچنین مابین کامیون حامل کارز را که در آن موقع خالی بود و تجلی بازی ما... شین سرکوب رژیم ضد انقلابی شاه است را بنسخت دافان کردند. در راه ۴۴ اسفند هزار گاهای توده ی جسون و محترض برای جلب توجه توده های مردم از این سوی خیابان به سوی دیگر رفته و باین ترتیب موجب بند آمدن راه از سوی خیابان آریامهر با فرام یاورند. که از یک طرف باعث جمع شاره بیشتر مردم و توجه آنان به تظاهرات و خواستهای آن که در شعارها بیان میشد، میگفت و از سوی دیگر علما باعث میشد که قابلیت تکرار افراد سرکوبگر کارز کم شود. اینک اینک دیده می شود که این تظاهرات بدست ۴۴ دقیقه ادامه پیدا میکند. این وضع تا زمانی "وزار، کار و امور اجتماعی" برای آریامهر ادامه یافت. لیکن در اینجا توده های تظاهرات هرگزنده شاهد بیرون آمدن زیادی از افراد کارز که در پشت میله های "وزار، کار و امور اجتماعی" سرفه شده بودند گشت و در اینجا سروی اساسی تظاهرات به سمت جنوب خیابان آریامهر و از آنجا از طریق کوچه های که سمت جنوبی خیابان با بطرف جنوب یعنی خیابان آریامهر و نواب رفیعه مردم بوط میگرد عقب نشسته و پراکنده شد. گریه دست هائی از تظاهرات کنندگان حتی پس از این بیرون رفتن جمع خود را حفظ نموده و در مسیر خیابان نواب آریامهر حوالی به دادن شعار و شکستن شیشه های بانکها ادامه میدهند. لیکن نیروی آسانی نظامی هرات متفرق شده و اینجا با سیاست باام موفقیت آمیزی در تظاهرات ریزنده سیاسی طولانی توده های بی شمار آورد. جریان این تظاهرات به فوخی ۵۰ نفر و عبارتی "سه ماشین مینویس" دستگیری و تعدادی زخمی چه از تظاهرات کنندگان و چه انتصاب مزدور پلیس و گارد داشت.

چند نگه در مورد این تظاهرات: ۱- اگر چه نیروی اساسی شرکت کنندگان در تظاهرات را روشنگران (دانشجو، دانش آموز و...) تشکیل میدادند لیکن تعدادی از تهر بدستان شهروکار گران و... نیز در این تظاهرات شرکت داشتند. لذا با یک جنبش دانشجویی انجام یافته صرف نبود. ۲- تظاهرات نامبره شده سیاسی بود. طلب آترا میتوان در حدتنگه خلاصه کرد: الف- شرایط احتیاق و به ران سیاسی جامعه که غررتک اثر. انسی - بر تملی را بلافاصله بیزد. جریان سیاسی مدل مکند. بیست ترکیب زندگان در این تظاهرات که همگی با هدفی سیاسی برای تکرار اجتماع دانشگاه صنعتی آریامهر گرد آمده بودند. ۳- مد صحیح سیاسی داشتن تظاهرات تبدیل میگردد. پیوسته در سیاسی جامعه را با تدریج شعار "مرگ بر این حکومت فاشیستی" تاند گرفته و تانیا با طرح شعار "کارگر در دهان" اندام

نه تنها ضرورت وحدت این نیروها را مطرح نمود بلکه سنگ گویی جنبش روشنگران و دانشجویان را با جنبش زنجشکان و کارگران و دهقانان طرح نمود. ثالثاً با رشتن سوی میدان ۴۴ اسفند و ند اوم بخندیدن به تظاهرات عملا این تظاهرات بیک حرکت توده ای افشارگانه و آگاه گزانه برده شد. رژیم ضد انقلابی شاه تبدیل شد. ۴- وجود عناصر دهنده های عملا مویجات شدن این حرکت جبار زانی (بفورت رژیم شاه را نشانه رفته و در مقابل بیرونش سیماهای گارد پایمردی نموده و تظاهرات را ادامه یافت) و ند اوم آن (این تظاهرات به مدت ۴۴ دقیقه بطول انجامید که جنبش امردین وجود این عناصر بطور خود بخودی غیر ممکن بود) و سمت گیری صحیح آن (رشتن سوی ۴۴ اسفند) شد. ۵- بسبب اینکه تظاهرات از بدو شروع در خیابان انجام شده و در آنجا ند اوم یافتند و در میان مردم صورت گرفت از نظر دامنه تأثیرات آری بسیار درخشان بود. بعد تأثیرات آری این تظاهرات در حدی بود که از جماع ناگزیر به بخشش و ازبوی اخبار آن از رادیو تلویزیون و در روزنامه معا شد و همچنین بقوربت در برخی از کارخانه های سیر حدادی کرج نظیر جنرال موتور و... به ارسال زاندام مبادرت ورزید. یکی از کارگران کارخانه ای در جاده ای کرج گفته بود: "دیدید که شمار کارگر - دهقان - دانشجو میدانند؟" و نیز زانده های تاسی و بسیاری از مردم که شاهد تظاهرات بودند اخبارش را در دهن به دهن دیگر میرساندند. مستقر کردن افراد مزدور کارز در میدان ۴۴ اسفند در مقابل مدرسه بازرگانی در مقابل دانشگاه آریامهر و... توجه بیشتر مردم را به فریادای بودن وضع جلب میکرد. در این احوال در داخل دانشگاه آریامهر وجه میگشت؟ پس از مطلع شدن توده های هزار نفری از جریان تظاهرات خارج از دانشگاه و نیز دستگیر حد و... و نفر و فوخی "سه مینویس دستگیری" آنان تصمیم میگرفتند آزاد شدن دستگیر شدگان به بست نشینی در محل امردی سخنرانی و شعر ادامه دهند. رئیس دانشگاه میگوید که بست نشینان را راضی به ترک محل کرد و خود مسئولیت آزاد کردن دستگیرندگان را بعهده بگیرد که با پاسخ قاطع بست نشینان مبنی بر تصمیم فوخی خود رویو میشود. بست نشینان ساکت نشسته میکردند که محیط را کاملاً به فوخی سیاسی ورزنده و سرخ تبدیل کند. از اینرو به خواندن انتشار انقلابی، سرودهای دسته جمعی و نیز سرودها و کراهی بر زبان امی طمت های مختلف ایران از جمله کردی و ترکی می بردازند. در این جریان اجتماع میگویند تا با آوردن برخی از پدر و مادری ایست نشینان آنها را تحت فشار قرار داده مجبور به ترک محل کند و از این طریق فرار داد و مجبور این جمع مبارز و وفادار به راهی راستین خود را در هم نکند. لیکن اینجا نیز تکرر بیانی اجتماع و در اثر همت بست نشینان و بیعت قلب پدر و مادرهای آزاد بخواد و غیبت موجب تبدیل این حرکت از - تجاع به ضد خود میگردد. باین ترتیب که اکثریت آنان که برای راضی کردن فرزندان خود برای ترک محل آمده بودند خود راضی به بست نشینی میگرددند که این امر با یک زدن ها و شوخ تماسس بست نشینان رویو شده و نشان میدهد که در راه مبارزه با ارتجاع محمد زشانه ای نه تنها جوانان آزاد بخواد و مبارز بلکه به ران و مادران عدالت طلب آنان نیز شرکت داشته و مبارزه مرگ و زندگی

امروزه در مردمی جامعه ما مبارزادیت طبقاتی و آشنی نابذ بر میان صف طبقات خلق با صف طبقات ضد خلق به نمایندگی رژیم خونخوار پهلوی. از جریانات دیگر اجتماع بست نشینان اعلام همسنگی توسط دانشگاه های مختلف تهران و شهرستانها بویفوی نمایندگان آنها با اجتماع بست نشینان و نیز نمایندگی دانش آموزان دختر و پسر از کرج، نمایندگی کارگران جنوب شهر تهران که با تطس غرای خود رویو به توانی بیشتر به اجتماع بست نشینان میدهد. همچنین فقه نامه ای که نکات مهم آن در زیر مایید بینه تاد و پس از بحث و گفتگو به تصویب تمام اجتماع رسید - ۱- آزاد گسردن دستگیر شدگان تا روشنی ۴۴ آردام و در صورت عدم اجرای آن انضاب عمومی نام دانشگاهها - ۲- ادامه برنامه های هنکی تا پایان آن، ۳- مامرد ای برنامه سلطانپور که سبب جریان تظاهرات و بست نشینی اجرا نگردد و در شب ۲۴ آردام ۴ - عدم دخالت و بیرون گارد به بست نشینان در موقع خروج از محل (البته پس از نقل نامی سفند فقه نامه از جانب نیروهای پلیس که نکات دیگری را نیز در برداشت) - ۵- پس از افلاخیر آزادی چند تن از دستگیر شدگان و نیز قبول تمام فقه نامه از جانب پلیس و رئیس دانشگاه، ۶- اجتماع بست نشینان پس از ۴۴ ساعت در حدود ۳ بعد از ظهر ۲۵ آبان بست میدان ۴۴ اسفند دستگیر شدند (باعتنا اینکه اغلب بست نشینان مسبر دستگرس (بست نشینان) در موقع خروج فست بست نشینان جمعی از پدر و مادرها و دانشجویان دانشگاه مختلف با شای از آنها استقبال نموده و عده ای زیادی از آنها به صف پیوستند. از نیز یکی بود ۴۴ اسفند بدون هیچ پیش آمدی با صف بست نشینی (در حالیکه میگویند که تجمع از اتحاد صرف معظ شود) به حرکت خود ادامه میدهد. لیکن در میدان ۴۴ اسفند که پلیس از مهم پیوستگی صف آنان امکان تبدیل آن بیک تظاهرات وسیع در وحشت بود. بطور وحشیانه ای نصف بست نشینان حمله میکند که در این جریان تعدادی از مبارزین نیز عناصر مزدور گارد زخمی شده و شایعه است که چند نفر نیز کشته شده اند (از مبارزین). لیکن جریان با بنیاد خاتمه نیافته و بلکه مبارزین شکل دستفحالی سوی جسون شهر حرکت درآمده و بسا دادن شعار و شکستن شیشه های بانکها و غیره به ایجاد یک حرکت سیاسی و افشارگانه در بین مردم میرد. ازتند و دستهای حتی تا گره به حرکت خود ادامه میدهند.

دو نکته قابل توجه: ۱- تحریریه فوق نشان داد که عقب نشینی مدیله اندی ارتجاع در مقابله لایه های متوسط جامعه که حامل تأملات لیبرالی هستند و نیز جناحهای دیگر هیئت حاکمه ارتکسو و نیز تأثیر تدبیر سیاست قدرت حکومت جدید کاخ سفید انگلستان بسیار محدود و مانورهای با جبره "دموکراتیک" را (از جمله برنامه های شب شعر و همین برنامه نامبره) موجب شده، لیکن هرچ رو نماییستی یک لحظه در مورد ماهیت سواد ضد انقلابی آنها شک نمود. در همین حدهال نمایندگی فراوان کرد که هر قدر توده های مانورهای و آب باشند همراه و پایبانی استبداد استبداد و خون پهلوی با اجرا در میانند چرا که تصور ادمی حیات موقت این رژیم بدون اعمال مستمر فاشیستیم انجام گسیخته همانا ساده لومی غیر فایسل بخشش و گوی محض است. لذا از خوش کردن به حرکت انضامی (اساساً روشنگران) که با استفاده از مانورهای یاد شده به جریان افتاده



صحنه ای از تظاهرات پرتشو در دانشجویان سپهرستان ایران در هنگام سرفشانه به دانشکده که به تیر سختی میان هزاران تن اعضای گفد را بسین دانشجویان و محصلین ایران (برای احیا) مبارزین واحد جنبش انشعوری و برخی گروههای دانشجویی شرقی و مرکزی و جاکوستان ازنده ساواک و افراد امردی شده و از سوی سفارت و فوای پلیس آمریکا از سوی دیگر، سخنرانی و تظاهرات دانشجویین همزمان با تظاهرات ضد استبداد و ضد آمریکائی دانشجویان دانشگاه آریامهر در ۲۴ آبان صورت گرفت.